

## بازسازی تاریخ پادشاهی پارس در دوران اشکانی

یعقوب محمدی فر\*

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

علیرضا خونانی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد آمستردام، آمستردام

(از ص ۱۴۹ تا ۱۶۵)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۰۱/۰۸

### چکیده

ساختار غیر تمرکزگرایی در دوران اشکانی دارای ویژگی‌های مثبت و منفی است. با وجود مشکلاتی که ممکن بود به واسطه این نظام پیش آید، شاهان اشکانی با پیروی از این سیاست، شرایط را برای رشد و شکوفایی بسیاری از سنت‌های کهن در تمامی مناطق زیر سلطه خود فراهم آوردند. پارس یکی از نقاطی بود که با وجود انزوای نسبی در این دوران نقش مهمی در انتقال این ویژگی‌های از یاد رفته داشت. تاکنون مطالعات بسیار اندکی بر تاریخ این منطقه در دوران سلوکی و اشکانی صورت گرفته است. تنها داده مورد اعتنا در این خصوص، سکه‌های شاهان پارس است که از حدود ۲۸۰ پ.م. تا ۲۲۴ م. در مراکز مهم دوران هخامنشی همچون تخت جمشید، پاسارگاد و همچنین پایتخت اصلی پارس یعنی استخر ضرب شده است. شاهان پارس در سکه‌ها و همچنین بقایای اندک معماری بر جای مانده، به خوبی تعلق خاطر خود را به آثار یادمانی و فرهنگ و مذهب هخامنشی نشان داده و با بهره‌گیری از عدم تعصب مذهبی اشکانیان، سعی در احیای سنت‌های پیشین داشته و تا حدودی نیز موفق بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: پارس، میراث اشکانیان، سکه‌شناسی، پیشینه ساسانیان.

## ۱. مقدمه

مهم‌ترین منبع در بازسازی تاریخ پارس، سکه‌های ضرب شده در دوران سلوکی و اشکانی است. نخستین سکه‌های پارس را دانشمند فرانسوی ژوزف پلرن (Joseph Pellerin) در سال ۱۷۶۷، منتشر ساخت. در ابتدا این سکه‌ها به دلیل داشتن کتیبه آرامی به ساسانیان نسبت داده می‌شد (Potts, 2007: 273). الوت دولا فویی (Allotte de la Fuye)، نخستین مطالعات اساسی درباره سکه‌های پارس را به انجام رسانده است. او این سکه‌ها را به سه گروه تقسیم کرده و بعدها جان هیل نیز گروه چهارم را برای آن پیشنهاد کرده است (Hill, 1922: clxi). به نظر می‌رسد آخرین فردی که به طور مستقیم بر روی این سکه‌ها مطالعه نموده است، دو مورگان بوده که نتیجه بررسی‌های خود را در کتاب «راهنمای سکه‌شناسی شرق از دوران باستان تا قرون میانه» به چاپ رسانده است (De Morgan, 1923). لازم به ذکر است که این سکه‌ها علاوه بر اهمیت تاریخی، نقشی اساسی در احیای فرهنگ ایرانی در دوران سلوکی و پس از آن داشته‌اند (Curtis, 2007: 21). با وجود این که در سنت‌های مذهبی زرتشتی، یونانیان (و یا تنها اسکندر) به شدت ملامت شده‌اند، بر اساس شواهد به دست آمده از پارس دوره سلوکی و اشکانی، این نوع نگاه نسبت به فرهنگ هلنی در این ادوار شکل نگرفته است (Wiesehöfer, 1999: 335).

## ۲. شکل‌گیری پادشاهی پارس

نواحی داخلی ایران در دوره سلوکی و اشکانی شامل چهار بخش اصلی یعنی پارس، ارمنستان، سرزمین کوشان‌ها در آسیای میانه و سیستان در شرق بود (Lozinski, 1984:129). با وجود این که پارس یکی از وسیع‌ترین این مناطق است، نسبت به پادشاهی‌های مستقل دیگر اطلاعات بسیار اندکی از وضعیت آن در دوران طولانی سلوکی و اشکانی وجود دارد. دلایل متعددی را برای این مسئله می‌توان بیان کرد که یکی از آنها، انزوای نسبی پارس در این زمان و فاصله آن با راه‌های تجاری اصلی است. برای مدتی طولانی برترین مسیر برای ایجاد ارتباط بین شرق و غرب از طریق خلیج فارس بود که بدین وسیله هند و چین به عربستان، مراکز تجاری خاراکس و آپولوگوس، و قرارگاه تجاری روم یعنی پالمیر متصل می‌شد (Seyrig, 1950: 1-2). طی کاوش‌های هرینک در محوطه‌هایی چون الدور و ملیحا در امارات امروزی، سکه‌ها و بقایای سفالی متعددی متعلق به نواحی گوناگونی از جمله خاراسن، الیمایی، هند و روم به دست آمد که حاکی از ارتباط ایشان با بنادر تجاری این ناحیه است. در این بین تنها دو سکه از شاهان پارس کشف شد که می‌تواند نشان‌دهنده رابطه محدود پارس با مهم‌ترین مسیر تجاری آن زمان باشد (Haerinck, 1998: 288). همچنین این امکان وجود دارد که این سکه‌ها مدت‌ها پس از زمان ضرب به این منطقه رسیده باشد (Potts, 2012: 119).

پس از فتوحات اسکندر، یکی از سرداران مشهور اسکندر به نام پوکستاس (Peucestas) به عنوان حاکم این منطقه انتخاب شد. او از سنت‌های بومی به خوبی استقبال کرده و جایگاه مناسبی به مقامات پارسی در سپاه و دربار خود اعطاء کرد (Bevan, 1902: 42). این روحیه تساهل پس از مدت کوتاهی به تشکیل حکومتی با عناصر بومی در پارس انجامید. پس از برکناری پوکستاس، موقعیت پارس‌ها در موطن خود تغییر کرد. سکه‌هایی با تاریخ ۳۰۰ پ.م. که به سلوکوس تعلق دارند و به احتمال قوی در تخت جمشید یا پاسارگاد ضرب شده‌اند،

نشان‌دهنده سلطه مستقیم سلوکیان حداقل تا ۲۸۰ پ.م. است (Potts, 2004: 354). ایشان اساساً از نظام اداری و حکومتی شرقی پیروی کرده و متوجه این مسئله بودند که برای بقای خود می‌بایست به سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی احترام بگذارند (Venetis, 2011: 155). این موضوع در فارس بیشتر ملموس است و ایشان حتی در اوج قدرت آنتیوخوس سوم با وجود نفوذ فرهنگی خاص در ماد، سیاست متفاوتی نسبت به خاستگاه امپراتوری پارس اتخاذ کردند (Callieri, 1995: 82). با این حال، بقایای سفال‌های سبک هلنی به دست آمده در تل تخت در پاسارگاد و محوطه تل ضحاک در جنوب غرب شیراز، نشان می‌دهد که سلوکیان به تأسیس کولونی‌هایی در منطقه اقدام کرده‌اند (Ibid: 84).

در همین سال‌ها در حدود ۲۸۰ پ.م. بود که نخستین سکه‌های چهار درهمی محلی پارس توسط شخصی به نام بگدات (Bagadat) ضرب شد. شکل پارسی باستان این نام مکرراً در کتیبه‌های هخامنشی به کار رفته است (Koch, 1988: 85). بر روی این سکه‌ها، تصویر بگدات رو به راست با سبیل، ریش کوتاه و با شلقلی (؟) بر سر مشاهده می‌شود (تصویر ۱). لازم به ذکر است که این‌گونه سرپوش در دوره هخامنشی و سلوکی با عنوان «سرپوش ساتراپی» نیز شناخته می‌شده (Hill, 1922: 195)، و در سکه‌های شاهان بعدی شباهت قابل توجهی با سرپوش ساتراپی‌های دوره هخامنشی به ویژه در آسیای صغیر پیدا می‌کند (برای مثال تصویر ۲). بر پشت سکه، شاه با پوششی مشابه شاهان هخامنشی بر تخت نشسته، عصای بلندی در دست راست و یک گل (؟) در دست چپ نگه داشته است. این تصویر آشکارا یادآور نقوش برجسته شاهان هخامنشی در تخت جمشید می‌باشد. بر پشت سکه به خط آرامی عبارت «بگدات، فرترکا، از خدایان» ('Bgdtn prtrk' ZY 'LHY') نوشته شده است.

تاکنون مشکلاتی در ترجمه نوشته‌های آرامی این سکه‌ها وجود داشته است و به درستی منشأ آنها مشخص نیست. در این بین گرین‌فیلد به کتیبه‌ای ناخوانا از یکی از شاهان پارس اشاره کرده و با تکیه بر آن، خط مورد استفاده این شاهان را فارسی باستان متأخر و یا فارسی میانه قدیم می‌داند (گرین‌فیلد، ۱۳۹۰: ۸۵۱). همچنین بیوار و شیکد از عنوان «آرامی پارسی» برای این خط استفاده کرده‌اند (Bivar & Shaked, 1964: 282). محققین لقب شاهان پارس بر روی سکه‌ها را به سه شکل 'PRTKR', 'PRTDR', 'PRTRK' نسخه‌برداری کرده که به ترتیب به صورت fratakara, fratadāra, fratarakā خوانده می‌شود. سه عنوان ذکر شده به ترتیب به معنی «حاکم»، محافظ آتش و برافروزنده آتش، ترجمه شده است (Naster, 1968: 74). هیچ کدام از سه عنوان ذکر شده در منابع متعلق به ایران باستان دیده نشده و تنها اولی در متون آرامی الفانتین متعلق به مصر دوره هخامنشی وجود دارد. همچنین برخی معتقدند که fratarakā یکی از اصطلاحات اداری دوران هخامنشی بوده است. از جهتی عنوان fratadāra کمتر مورد تأیید زبان‌شناسان قرار گرفته و به عنوان واژه‌ای با بن‌مایه مذهبی شناخته شده است. fratarak (ā) در متن الفانتین به شخصی اطلاق شده که بر تمامی ایالت جنوبی مصر حکومت کرده و از نظر جایگاه، بالاتر از فرمانده ارتش که مسئولیت دفاع از مرزها را داشته، قرار دارد (Ibid: 75-76). با این که شاهان پارس با استفاده از عناصر کهن پیوندی نزدیک میان خود و هخامنشیان احساس می‌کردند و پادشاهی خود را الهی می‌دانستند، بدون شک توانایی اخذ لقب «شاه بزرگ» را نداشتند و با وجود استفاده از برخی نمادهای شاهان هخامنشی، برای مدت‌ها از به‌کارگیری نشانه‌های خاص شاهی از جمله تاج کنگره‌دار پرهیز کردند (Wiesehöfer, 2007: 43).

عبارت 'ZY 'LHY' (از خدایان) که از همان ابتدا در سکه‌های حاکمان پارس دیده شد، بعدها به طور گسترده مورد استفاده شاهان ساسانی قرار گرفت. دریایی معتقد است که این عنوان ریشه در لقب سلوکی θεοπάτωρ به معنی «دارای نژاد الهی» دارد و شاهان نوپای پارس با بهره‌گیری از شکل آرامی آن، وفاداری خود را به وی نشان داده‌اند (Daryae, 2010: 240). به اعتقاد پژوهندگان ایشان با وجود این که از همان ابتدا در پی احیای سنت‌های ایرانی و کسب استقلال بوده و این خواسته را به خوبی در سکه‌های خود نشان داده‌اند، در اصل دست‌نشانده شاهان سلوکی محسوب می‌شده‌اند. همچنین با وجود این که این حاکمان در سکه‌ها وفاداری خود را به آیین کهن منطقه (شاید زرتشت) نشان داده‌اند، نمی‌توان آنها را نماینده یک حزب ملی-مذهبی و یا شاه-مغ دانست (Wiesehöfer, 2001: 110). استرابو به این نکته اشاره کرده و پارس‌ها را خراج‌گزار مقدونیان معرفی می‌کند (Edson, 1958: 158). علاوه بر این، با بررسی دقیق‌تر سکه‌های بگدات و دو نفر از جانشینان او یعنی اوبورزوس - وهبرز و اردشیر، مشخص می‌گردد که حاکم پارس با وجود استفاده آشکارا از نقش‌مایه‌های هخامنشی در سکه‌های خود، با در دست گرفتن عصای سلوکی (؟) و پوشیدن لباس و کلاه ساتراپی وفاداری خود را به دربار سلوکی نشان داده‌اند (Canepa, 2010: 569). همچنین شهرها یا کولونی‌هایی که آنتیوخوس اول در جنوب غرب ایران تأسیس نمود، شورش مولون در منطقه و کتیبه‌ای در مورد اقامت قابل توجه آنتیوخوس سوم در انطاکیه پارس (نزدیک بوشهر امروزی؟) در ۲۰۵ پ.م.، همگی گویای تسلط سلوکیان بر پارس حداقل تا زمان مرگ آنتیوخوس سوم در ۱۸۷ پ.م. است (Wiesehöfer, 2007: 40). همچنین با مطالعه شرایط ایالت‌های مهم همسایه همچون الیمایی و خراسن مشخص می‌شود که دیگر مناطق ایران نیز تا این زمان کم‌وبیش پذیرای سلطه سلوکیان بوده‌اند (نک. Le Rider, 1965: 288 & Hansman, 1967: 23).

در پشت سکه‌های شاهانی که از لقب fratarakā استفاده کرده‌اند، تصویر بنایی مشاهده می‌شود که مدتی طولانی موضوع مورد بحث محققان بوده است (تصویر ۳). اکثر ایشان آن را تقلیدی از ساختمان زندان سلیمان در پاسارگاد یا کعبه زرتشت در نقش‌رستم می‌دانند، و از آنجایی که تاکنون کاربری دقیق این دو بنا مشخص نشده است، دلیل استفاده از آن در سکه‌های شاهان پارس نیز به درستی معلوم نیست. پاتس معتقد است که پس از گذشت حدود ۲۵۰ سال از ساخت این دو بنا، شاهان پارس الزاما از کاربری آنها آگاهی نداشته و تنها با تکیه بر اهمیت این آثار به عنوان نماینده شکوه و قدرت اجداد خویش، از آنها در سکه‌های خود استفاده کرده‌اند (Potts, 2007: 296).

اما هرینک و اورلت بر خلاف دیگران بنای تصویر شده بر پشت این سکه‌ها را با معابد یونانی و رومی همچون آرا پاسیس (Ara Pacis) در رم مقایسه کرده (تصویر ۴) و با تکیه بر بررسی‌های تیلیا و ترومپلمان، این امکان را می‌دهند که بنایی مشابه در قسمت کاخ H در جنوب غرب صفا تخت‌جمشید وجود داشته است (Haerinc & Overlaet, 2008: 207 & 212). در مقابل بنا در سمت چپ سکه، تصویر شاه دیده می‌شود که دست‌های خود را به سبک شاهان هخامنشی به نشانه نیایش بلند کرده است. با وجود تمام فرضیات ذکر شده، تنها نکته آشکار اینست که شاهان پارس از همان ابتدا با به تصویر کشیدن عناصر پارسی سکه‌های خود، به دنبال تثبیت مشروعیت سیاسی در منطقه بوده‌اند.

### ۳. مدارک باستان‌شناسی و بقایای مرتبط با شکل‌گیری حکومت شاهان پارس

تاکنون مدارک باستان‌شناسی بسیار اندکی متعلق به شاهان پارس شناسایی شده و در نمونه‌های منسوب نیز ابهامات فراوانی وجود دارد. در ۱۹۲۳ هرتسفلد با کاوش در فاصله ۳۰۰ متری شمال غربی از صه تخت‌جمشید موفق به شناسایی بقایای معماری معروف به «معبد فرترکا» شد (Herzfeld, 1941: 275). این بنای خشتی شامل چندین اتاق و راهرو به همراه یک ایوان هشت‌ستون و تالار ستون‌دار کوچک است (تصویر ۵). به نظر نمی‌رسد که این بنا جزئی از مجموعه سلطنتی تخت‌جمشید بوده باشد. پایه‌ستون‌های به‌کار رفته در آن به سه‌گونه مختلف تقسیم می‌شوند که دو نوع آن به احتمال زیاد پس از تخریب صه تخت‌جمشید، در اینجا مورد استفاده دوباره قرار گرفته است. اما گونه سوم یعنی پایه‌ستون‌های مکعبی‌شکل در معماری هخامنشی مرسوم نبوده است. از این جهت این بنا را متعلق به دوران فرا-هخامنشی دانسته‌اند (Shenkar, 2011: 119). با وجود این که کاربری این بنا تاکنون به درستی مشخص نشده، این اطمینان وجود دارد که نخستین شاهان پارس مراکز مهم دوره هخامنشی یعنی پاسارگاد و تخت‌جمشید را برای استقرار خود انتخاب کرده بودند (Hill, 1922: clx). مهم‌ترین دلیل تعلق این بنا به شاهان فرترکا، نقش‌برجسته‌ای است که در آن به دست آمده است. این نقش شباهت خاصی با تصویر نیایشگر پشت سکه‌های این شاهان دارد (تصویر ۶). همچنین دوبواز آن‌ها را با نقش‌برجسته دکان داوود در سرپل ذهاب مقایسه کرده و آن نقش را نیز متعلق به شاهان پارس با تاریخی بین ۲۵۰ - ۱۵۰ پ.م. می‌داند (Debevoise, 1942: 89).

کاوش‌های استروناخ در پاسارگاد نشان داد که در این محدوده زمانی پس از نزاع احتمالی در تل تخت، یک فرهنگ بومی قدرت را در دست گرفته است، چرا که در اینجا پس از سکه‌های سلوکوس اول، به جای سکه‌های جانشین او یعنی آنتیوخوس اول، سکه‌های بگدات دیده می‌شود (Stronach, 1965: 23). با توجه به اهمیت پایتخت‌های کهن هخامنشی، با کمک سکه‌ها می‌توان به احداث پایتختی جدید در سده سوم پ.م. توسط شاهان پارس اشاره کرد. بر روی برخی از سکه‌های وهبرز از عبارت Pārsa staxra (دژ پارس) استفاده شده که ممکن است منظور شهر استخر مرکز سیاسی-مذهبی بعدی پارس باشد که مهم‌ترین معبد آن‌ها نیز در آن قرار گرفته بود (اشتیل، ۱۳۸۸: ۱۰۶). با این حال، تفکیک تخت‌جمشید و استخر از یکدیگر دشوار بوده و از این دو در این دوران معمولاً در کنار یکدیگر یاد می‌شود (Herzfeld, 1934: 35).

### ۴. سرآغاز استقلال پارس

پولیانوس گزارش می‌دهد که در تاریخی بین ۲۵۰-۲۰۰ پ.م. اوبورزوس-وهبرز، دومین پادشاه پارس حدود ۳۰۰۰ تن از سربازان سلوکی را که علیه او توطئه کرده بودند به قتل می‌رساند و از این طریق در پی کاهش قدرت بیگانه در منطقه و کسب استقلال برمی‌آید (Mittag, 2008: 54). اما ویسهوفر با تکیه بر سکه‌های ودفرداد اول (فرهاد)، او را نخستین پادشاه مستقل پارس می‌داند (تصویر ۷). برای اولین بار در پشت سکه‌های این فرد نقش فروهر که توسط شاهان هخامنشی به عنوان نشانه مشروعیت استفاده می‌شده بر بالای بنا نقش بسته است. علاوه بر این، در پشت سر شاه الهه پیروزی یعنی نیکه مشاهده می‌شود که در حال قراردادن تاج گلی بر سر او است (Wiesehöfer, 2007: 42). این نشانه‌ها گویای یک پیروزی ساده نبوده و می‌تواند بیانگر دستیابی این شاه به استقلال از سلوکیان باشد.

با روی کار آمدن مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ پ.م.) تحول قابل توجهی در ساختار حکومت‌های خاور نزدیک صورت گرفت، حدود نفوذ اشکانیان تا غرب ایران و سرزمین‌های شرق مدیترانه گسترش پیدا کرد و در اصل از این زمان بود که ایشان به عنوان یکی از قدرت‌های برتر منطقه شناخته شدند. سکه‌های حکومت‌های مهم محلی از جمله الیمایی، ماد و پارس، به خوبی نتیجه نفوذ اشکانیان در این مناطق را نشان می‌دهد.

مهرداد با تسلط بر غرب کشور به ویژه ماد، در مقابل دمتریوس دوم سلوکی قرار گرفت. از آنجایی که هنوز اکثر حاکمان محلی در الیمایی، خاراسن و پارس با وجود استقلال بیشتر به شاه سلوکی وفادار بودند، او را در برابر شاه نوپای اشکانی یاری کردند (Wenke, 1981: 306). به نظر می‌رسد که در این زمان و دفرداد اول حاکم پارس بوده است. ویسهوفر معتقد است که درخواست کمک شاه سلوکی از این مناطق، خود به معنی استقلال نسبی آنهاست (Wiesehöfer, 2007: 41). ارتش سلوکی حتی در بهترین شرایط، نه تنها برای تأمین سربازان مزدور، بلکه برای تأمین نخبگان ارتش خود به نیروی ایرانیان نیاز داشت (Venetis, 2011: 157). بنابراین دمتریوس توانست برای مدتی کوتاه در برابر مهرداد ایستادگی کند، اما در نهایت در ۱۴۱ پ.م. در سلوکیه دجله به اسارت رفت و به هیرکانیه منتقل شد. با کاهش قدرت سلوکی، مهرداد توانست به بهانه یاری دادن حکومت‌های محلی به ارتش سلوکی، در امور ایشان دخالت کند. تغییر ناگهانی در سبک سکه‌های الیمایی و پارس نشان می‌دهد که مهرداد بلافاصله پس از فتح سلوکیه دجله، این مناطق را نیز به تصرف درآورد (Colledge, 1977: 10). در گروهی از سکه‌های ودفرداد اول، تصویر فردی بالغ و ریش‌دار با شباهت قابل توجهی به سکه‌های مهرداد دیده می‌شود. هرچند این مسئله تلاش مهرداد را در کنترل اوضاع پارس نشان می‌دهد، دلیل کافی برای سلطه مستقیم او بر منطقه نیست (Kawami, 1987: 6). با تکیه بر سیاست معمول شاهان اشکانی، به نظر می‌رسد که حاکم پارس اجازه یافته تا به حکومت خود ادامه دهد. دلایل گوناگونی برای این ایدئولوژی حکومتی وجود دارد که یکی از آنها طبق نظر کیل به روحیه انعطاف‌پذیری اشکانیان نسبت به فرهنگ‌ها و حکومت‌های محلی بازمی‌گردد (Keall, 1994: 272). دلیل دیگر را می‌توان از آنجایی دید که حاکمان محلی پارس بر خلاف دیدگاه معمول، فاقد روحیه شورش و طغیان‌گری علیه حکومت مرکزی بودند و بقای ایشان در مقام خود، تهدیدی برای شاهان اشکانی به شمار نمی‌آمد (Wiesehöfer, 2001: 110). با این حال، حاکم پارس می‌بایست با تغییر در سبک سکه‌های خود، وفاداری خود را به قدرت جدید منطقه نشان می‌داد. سکه‌ها به خوبی گویای این نکته مهم هستند که موقعیت سرزمین پارس، شاهان این منطقه را یاری کرد تا بسیاری از سنت‌های کهن مذهبی را حفظ کرده و در نهایت با انتقال آن به دوره ساسانی، اسباب شکوفایی آن را فراهم آورند.

سکه‌هایی که از این پس در پارس ضرب شد، به گروه دوم (۱۴۰-۱۰۰ پ.م.) سکه‌های منطقه تعلق دارند. به جزء تعدادی از سکه‌های پایانی ودفرداد اول، می‌توان سکه‌های دو شاه بعدی یعنی داریوش اول و ودفرداد دوم را در این گروه قرار داد (Hill, 1922: clxx). بر روی این سکه‌ها تصویر ریش‌دار شاه رو به راست با سرپوش خاص و منحصر به فردی که به عنوان «کلاهک ساتراپی» معرفی شده به همراه هلال ماه بر روی آن دیده می‌شود (تصویر ۸). هلال ماه می‌تواند نماد حکومت الهی شخص باشد (Olbrycht, 1997: 52). بر پشت سکه همان نقش‌مایه گروه قبلی وجود دارد، تنها با این تفاوت که از کیفیت نقوش آن کاسته شده و ساختاری خلاصه شده پیدا کرده است. تحول اساسی در این سکه‌ها که گویای نفوذ سنت اشکانی است در کتیبه‌های

آنها دیده می‌شود. عنوان فرترکا از این سکه‌ها حذف شده و تنها نام شاه به همراه هزوارش 'MLK (شاه) به تقلید از سکه‌های شاهان اشکانی بر آنها اضافه شده است. طبق عقیده اکثر محققان این عبارت گویای این مسئله است که از این پس حاکمان دست‌نشانده شاهان اشکانی در پارس حکمرانی می‌کنند (Canepa, 2010: 569؛ اشتیل، ۱۳۸۸: ۱۰۶؛ سلوود، ۱۳۹۰: ۱۹۴). همچنین پیش از این، جنس غالب سکه‌های پارس چهار درهمی‌های نقره‌ای بود که از این پس به درهم تبدیل می‌شود که جنس اصلی مورد استفاده اشکانیان برای مصارف داخلی بوده است (Khademi Nadooshan and Khazaiea, 2011: 102).

## ۵. حکومت شاهان دست‌نشانده

روند اشکانی شدن سکه‌های حاکمان پارس با سرعت بیشتری پیش رفت و در گروه سوم که با پادشاهی داریوش دوم آغاز می‌شود، آشکارا خود را نشان داد. بر روی این سکه‌ها به تقلید از سکه‌های اشکانی، صورت شاه رو به چپ است و تاج مخصوص مهرداد دوم را بر سر گذاشته است (Wroth, 1903: lxxvi). بر پشت سکه نیز طبق سنت اشکانی، کتیبه با متن نام شاه و عنوان MALKA دیده می‌شود که بر دور نقش حک شده است (تصویر ۹). نقش مذکور، شاه را با ردایی بلند نشان می‌دهد که برسم یا نیزه‌ای در دست گرفته و در مقابل آتشدان ایستاده است که علاوه بر این که نشان‌دهنده نفوذ قابل‌توجه اشکانیان در فارس است، بیانگر شکل‌گیری تدریجی یک ساختار منحصربه‌فرد مذهبی نیز است.

گنجینه‌ای از سکه‌های کوچک نقره‌ای در محدوده پارس در دهه ۱۹۸۰ کشف شد که با دیگر سکه‌های منطقه تفاوت دارد. این سکه‌ها احتمالاً به شخصی به نام کوریوس (بلاش؟) در سده اول م. تعلق دارد که وابستگی شدیدی به دربار اشکانی داشته و شاید برای نظارت مستقیم بر اوضاع منطقه، در بخشی از پارس مستقر شده است (Wiesehöfer, 2009). به نظر می‌رسد که این وقایع همزمان با پادشاهی بلاش اول در ۷۳ م. و اصلاحات حکومتی او در نواحی مختلفی چون الیمایی، خراسن و به احتمال قوی پارس است (Dabrowa, 2011: 175). به درستی مشخص نیست که آیا کوریوس همان بلاش اول است و یا شخصی وابسته به دربار اشکانی است.

سده اول و دوم م. دوران پیشرفت اقتصادی کشور و رونق قابل‌توجه تجارت بود. این مسئله، حاصل استقلال نسبی حکومت‌های محلی و توانایی ایشان در ایجاد ارتباط با دوردست‌ترین نواحی در شرق تا چین و در غرب تا روم بود. در یکی از گزارش‌های چینی به تاریخ ۱۰۱ م، از یکی از شاهان پارت با نام منکو (Manqu) یاد می‌شود که تعدادی شیر و شترمرغ متعلق به سرزمین تیاوژی (Tiaozi)، به احتمال زیاد محدوده خراسن و الیمایی، به دربار امپراتوری هان به عنوان هدیه ارسال می‌دارد. به نظر می‌رسد که منظور از این شاه پارتی در اصل حاکم پارس یعنی منوچهر بوده باشد که با ایجاد ارتباط با مراکز تجاری مهم یعنی خراسن و الیمایی و در نهایت چین، سعی در کسب اعتبار بیشتر برای حکومت خود داشته است (Hill, 2009: 23 & 242). پلینی، همسایه بدون واسطه پارس را در غرب الیمایی می‌داند (Pliny, VI. xxviii). با این حال، نمی‌توان محدوده قلمرو شاهان پارس را به درستی تعیین کرد. داده‌هایی از جمله تعدادی سکه مربوط به شاهان پارس در اواسط سده اول پ.م. از گورستان‌های اشکانی تل ملیان در دشتهای اطراف شیراز به دست

آمده است که با وجود اهمیت بسیار، در این مورد، چندان روشن‌نگر نیستند (Balcer, 1976: 86). در هر صورت با توجه به فقدان داده‌های باستان‌شناسی در این رابطه، امکان ارتباط پارس با نواحی اطراف آن دشوار است. در خصوص دلیل تفکیک نشدن شاه پارس با شاه اشکانی در گزارش‌های چینی، توضیحاتی وجود دارد. با روی کار آمدن اردوان سوم (۱۲-۳۸ م.) و صلحی که میان ایران و روم صورت گرفت، او موفق شد نفوذ دربار اشکانی را بر بخش‌های مهمی از کشور و در مناطق مستقل تحمیل کند. برخی محققان معتقدند که یکی از روش‌های اصلی او در این زمینه، انتخاب افرادی از خاندان خود به حکومت آن مناطق بوده است (شییمان، ۱۳۸۴: ۵۸). سکه‌ها نیز به گونه‌ای این موضوع را نشان می‌دهند؛ برای مثال استفاده اردشیر دوم از سربند شاهی و پوشش و آرایش کاملاً اشکانی در سکه‌ها، نمی‌تواند یک اتفاق ساده باشد (تصویر ۱۰). اما از آنجایی که همین شاه در این زمان از تاج‌های بومی کنگره‌دار استفاده می‌کرده است، نمی‌توان این دیدگاه را به اثبات رساند (تصویر ۱۱).

اطلاعات بسیار اندکی از پارس در این برهه تا ظهور اردشیر بابکان در دست است. به جز سکه‌ها، تنها اشارات کوتاهی از استرابو، لوسیانوس و ایزودور خاراکسی و یک کتیبه فارسی میانه از اردشیر دوم بر روی یک جام نقره‌ای در دست است (Wiesehöfer, 2009). هیل برای دو سده پایانی تا آغاز شاهنشاهی ساسانی گروه چهارمی را پیشنهاد می‌کند که با نموبات (Namopat) آغاز می‌شود (Hill, 1922: clxxiv). این گروه را از نظر سبک تصویرگری چهره شاه می‌توان به عنوان نمونه‌های «پیشا-ساسانی» نیز معرفی کرد. ویژگی اصلی این سکه‌ها چهره شاه رو به چپ با مو و ریش پرپشت و استفاده از ستاره و هلال ماه در کنار شاه در پشت سکه است (تصویر ۱۲). شاهان این گروه از تاج و سربند مخصوص شاهان اشکانی و همین‌طور در برخی موارد از تاج کنگره‌دار استفاده کرده‌اند. با این حال، آرایش موهای این افراد به ویژه اردشیر چهارم، یادآور سبکی است که بعدها در سکه اردشیر پنجم (اردشیر بابکان) و جانشینان او دیده شد (سلوود، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

## ۶. ظهور پاپک و شاپور و آغاز حکومت اردشیر پنجم

در حدود ۲۰۵ م. تحولی در ظاهر کوچک اما مهم در ساختار حکومتی پارس صورت گرفت. پاپک فرزند ساسان یکی از موبدان معبد آناهیتا و فرزند بزرگ او شاپور، از شهر «خیر» (Xir) به استخر حمله کرده و گوچهر، شاه پارس را به قتل رساندند و بدین ترتیب به حکومت شاهان دست‌نشانده اشکانی در منطقه خاتمه داده و با هوشیاری سرپرستی مهم‌ترین مرکز مذهبی منطقه یعنی معبد آناهیتا در استخر را نیز بر عهده گرفتند (Chaumont, 1958: 158). این در اصل آغازی برای شاهنشاهی مقتدری بود که شاه در آن چهره‌ای کاملاً الهی پیدا کرده بود و این ایدئولوژی حکومتی و ساختار متمرکز آن موجب تأسیس یک دین رسمی و دوام چهارصد ساله امپراتوری مقتدر ساسانی شد. دو عامل اساسی در انتها باعث افول شدید اعتبار حکومت اشکانی در مرزهای داخلی و خارجی کشور شد؛ اول، ناتوانی ایشان در حفظ تعادل و ثبات داخلی به دلیل نزاع اردوان پنجم و برادرش بلاش پنجم و دیگری سه شکست مهلک از روم به ویژه سپتیموس سوروس که به فتح تیسفون و تخریب آن انجامید (Rawlinson, 1893: 361-362). به نظر می‌رسد که در این زمان بود که پاپک و شاپور حکومت پارس را دست گرفتند (فرای، ۱۳۸۹: ۱۳). همچنین به احتمال قوی در این زمان تعدادی نقش خطی در قسمت‌هایی از کاخ هدیش و تچر در تخت‌جمشید ایجاد شد (تصویر ۱۳) که در آن به احتمال بسیار،



صحنه دریافت مقام شاهی با حضور شاپور و پدرش پاپک صورت می‌گیرد ( Callieri, 2003, Razmjou, 2005: 324). این نقوش همچنین می‌تواند نشان‌دهنده هدف ایشان در ادغام نظام سیاسی و مذهبی باشد که در نهایت در شاهنشاهی ساسانی به ثمر رسید (Daryae, 2011: 187).

بر روی سکه‌های منسوب به شاپور، تصویر شاه بر روی سکه و تصویر احتمالی پدر او پاپک دیده می‌شود (تصویر ۱۴). با وجود اهداف و سیاست‌های متفاوت خاندان جدید، ایشان همچنین سنت‌های پادشاهی قبلی را حفظ کردند. مدتی بعد اردشیر برادر کوچک شاپور در صحنه ظاهر می‌شود که به گفته طبری پس از مرگ اتفاقی (؟) برادر در تخت جمشید، با رأی دیگر برادران به عنوان پادشاه انتخاب شد (Canepa, 2010: 571). اردشیر، به عنوان یکی از رازآمیزترین شخصیت‌های تاریخ ایران شناخته می‌شود. دریایی، این دیدگاه را مطرح کرده که اردشیر در خاندان خود یک یاغی به شمار می‌آمده و با فاصله قابل توجهی از پدر و برادرش شاید در اردشیر-خوره مستقر بوده است. بنابراین شاپور را که حاکم مشروع از سوی پدر بوده به همراه دیگر برادران به قتل رسانده، در ۲۱۱/۲۱۲ م. در استخر مستقر شد و به تدریج حکومت کل پارس را به عنوان اردشیر پنجم در دست گرفت (Daryae, 2010: 245 & 248). معماری اشکانی-برای مثال کاخ آشور- تأثیر قابل توجهی بر معماری اردشیر خوره یا کاخ فیروزآباد داشته است و این آثار اهمیت بسیاری در بررسی چگونگی انتقال میراث اشکانی به دوران ساسانی دارد (Vanden Berghe, 1987: 244).

سکه‌های اردشیر (تصویر ۱۵) از نظر ریخت‌شناسی، از سکه‌های برادر بزرگش شاپور تأثیر مستقیمی پذیرفته بود (Gyselen, 2011: 12). زمانی فرا رسید که او با حمایت ایالت‌های دیگر از جمله ماد، ماد آتروپاتن، آدیابن و کردستان شورش گسترده در نواحی داخلی ایران صورت داد (Farrokh, 2007: 179). این زمانی بود که اردوان پنجم با شکست ارتش کاراکالا امپراتور روم سعی در بازگرداندن اعتبار از دست رفته خاندان خود را داشت و تا زمانی که اردشیر کرمان را نیز فتح کرد و شاه وفادار به حکومت مرکزی در آنجا را به قتل رساند، متوجه خطر پیش‌روی او نبود (شییمان، ۱۳۸۴: ۱۶). بنابراین اردوان شاه الیمایی نیروفر را برای سرکوب اردشیر گسیل داشت. اما او در نبرد با اردشیر در ۲۱۵ م. در جنوب خوزستان - به احتمال زیاد در نزدیکی اهواز امروزی- شکست خورد و کشته شد (Alizadeh, 1985: 184).

کمی بعد اردشیر در ۲۲۲ م. خاراکس اسپاسینو، پایتخت پادشاهی خاراسن در جنوب میان‌رودان را فتح کرده و آخرین پادشاه آن منطقه یعنی آبینرگوس سوم را به قتل رساند (Nodelman, 1959/1960: 119). فتح خاراسن ضربه‌ای مهلک بر ساختار اقتصادی حکومت اشکانی وارد ساخت و ایشان را از دریافت نیروی نظامی و همچنین سود اقتصادی حاصل از تجارت از طریق خلیج فارس ناامید ساخت. اردشیر در نبرد نهایی در ۲۲۴ م. در مقابل اردوان قرار گرفت و با شکست سپاه اشکانی و قتل او، به یک شاهنشاهی پانصدساله خاتمه داد. این‌گونه به نظر می‌رسد که بلاش پنجم کمی پس از قتل برادر و فتح پایتخت در تلاش برای احیای قدرت اشکانی برآمد، چرا که سکه‌هایی از او باقی مانده که به ۲۲۸ م. باز می‌گردد (Dabrowa, 2012: 39). با وجود تمام تلاش‌ها، در نهایت تمامی اراضی زیر سلطه امپراتوری اشکانی در دست اردشیر افتاد و تمامی مدعیان سرکوب شدند. با این حال، او برای اثبات مشروعیت خود، یکی از شاهزادگان اشکانی را به همسری گرفت (Rawlinson, 1893: 368). او همچنین به همین منظور در نخستین سکه‌های خود از تاج مخصوص شاهان اشکانی استفاده کرد (تصویر ۱۶).

با این که سکه‌های ساسانی تقلیدی کامل از سکه‌های اشکانی نیست، اما تأثیر قابل‌توجهی از آنها و همچنین از نقش‌مایه‌های رومی پذیرفته است. تشکیلات ضربخانه‌های دوره ساسانی نیز، ادامه مستقیم سیستم دوره اشکانی بود (گوبل، ۱۳۸۹: ۲۱۱ و ۲۲۵). ساسانیان از بسیاری جهات تغییراتی اساسی در نظام سیاسی ایران ایجاد کردند. از نظر مذهبی این دیدگاه تاکنون پذیرفته شده که ساسانیان از همان ابتدا، تحمل کمتری در پذیرش آیین‌های محلی داشتند (Keall, 1971: 58). با این حال، با مطالعه دقیق سرگذشت پارس در دوره سلوکی و اشکانی، شاهان ساسانی را می‌توان وارثان حقیقی و ادامه‌دهنده بسیاری از سنت‌هایی دانست که پیش از این در دوره اشکانی پایه‌گذاری شده بود.

|                |  |
|----------------|--|
| ۲۵۰-۲۰۰ پ.م.   | بگدات<br>وهبرز<br>اردشیر اول<br>ودفرداد اول  |
| ۱۶۰-۳۰ پ.م.    | شاه ناشناس<br>داریوش اول<br>ودفرداد دوم<br>داریوش دوم<br>هوخشتر (؟)<br>اردشیر دوم  |
| ۳۰ پ.م.-۲۲۴ م. | نمویات<br>پیروز (پاکور؟)<br>قباد<br>مهرداد<br>اردشیر سوم<br>منوچهر اول<br>منوچهر دوم<br>اردشیر چهارم<br>شاپور<br>اردشیر پنجم |

جدول ۱. فهرست پیشنهادی شاهان پارس بر اساس تقسیم‌بندی سلوود با اعمال برخی تغییرات (سلوود، ۱۳۹۰: ۲۱۱)

## ۷. نتیجه

تا چند دهه اخیر، پادشاهی اشکانی به دلایل گوناگون از جمله کمبود منابع، کمتر مورد اعتنای محققان، به ویژه پژوهشگران ایرانی قرار می‌گرفت. به همین دلیل، وجوه متنوع این شاهنشاهی و همین‌طور نقاط مختلف ایران در طول حکومت ایشان، ناشناخته ماند. تاکنون این نتیجه حاصل شده که هر ایالت در مرزهای اشکانی با وجود وابستگی نسبی به حکومت مرکزی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بود که آن را از نقاط دیگر متمایز می‌کرد. پارس به سبب موقعیت ویژه، موفق به حفظ بسیاری از سنت‌های کهن هخامنشی از جمله هنر و مذهب و در نتیجه انتقال آن به ادوار بعدی شد.

با وجود این که شاهان پارس با بهره‌گیری از نقش‌مایه‌های متعلق به پیشینیان خود، در تلاش برای ایجاد تمایز با نواحی دیگر بودند، سکه‌ها و شواهد دیگر به خوبی نشان می‌دهند که بر خلاف دیدگاه معمول، عامل اغتشاش و مبارزه با حکومت اشکانی نبودند. با این وجود، در سده اول میلادی، شاهان اشکانی برای گسترش نفوذ خود در این منطقه تلاش زیادی کردند. دلیل این مسئله به درستی مشخص نیست، اما تغییر ناگهانی در نقش‌مایه و ساختار سکه‌ها صحت این واقعه را نشان می‌دهد.

سیاست شاهان پارس با روی کارآمدن پاپک، شاپور و بعدها اردشیر بابکان تغییری اساسی پیدا کرد. اردشیر با بهره‌گیری از بی‌ثباتی و ضعف شاهنشاهی اشکانی حاصل از جنگ‌های داخلی و خارجی، شورش‌های گسترده در کشور صورت داد و موفق به فتح ایالت‌های وابسته به حکومت اشکانی شد. اردوان پنجم با وجود اصلاح روابط خارجی، موفق به جلوگیری از پیشروی اردشیر نشد. ساسانیان از همان آغاز حکومت خود در ۲۲۶ م، با این‌که با تغییر تقویم و سیاست‌های متفاوت دیگر سعی در کدر ساختن میراث اشکانی داشتند، اما در عمل با هوشیاری علاوه بر ارج نهادن بر شکوه از یاد رفته هخامنشی، نظام حکومتی مقتدر خود را بر شالوده فرهنگ و تمدن اشکانی بنیان نهادند تا بدین طریق خود را به عنوان جانشین بر حق و مشروع ایشان معرفی کنند. با وجود این که از تاریخ پارس در دوره سلوکی و اشکانی و همچنین از پیشینه ساسانیان اطلاعات بسیار اندکی در دست است، مطالعه مستمر مدارک برجای مانده، به خوبی اهمیت ایشان را در بازسازی سرگذشت گستره‌ای وسیع از مرزهای داخلی کشور نشان می‌دهد.

## ۸. تشکر و قدردانی

نگارندگان از خانم دکتر جودیت لرنر (Judith Lerner) از دانشگاه نیویورک بابت ارسال مقالاتی که امکان دسترسی به آنها در ایران وجود نداشت، صمیمانه قدردانی می‌کنند.

## ۹. تصاویر



تصویر ۱. چهار درهمی نقره‌ای بگدات، ضرابخانه تخت‌جمشید یا پاسارگاد (Haerinck & Overlaet, 2008: 220).



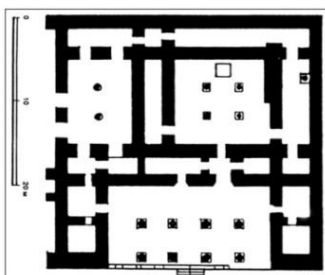
تصویر ۲. چهار درهمی نقره‌ای تیسافرن ساتراپ لیدیه و کاریه، اواخر سده پنجم پ.م. (Richter, 1949, pl. 37: 1).



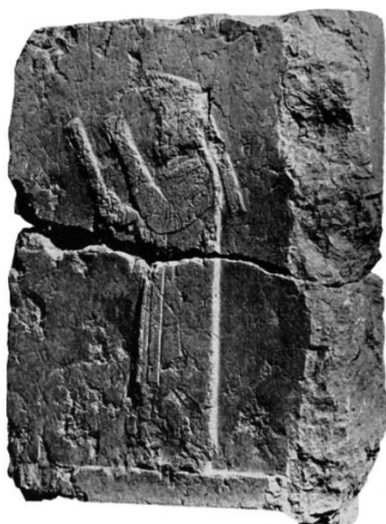
تصویر ۳. چهار درهمی نقره‌ای اردشیر اول، ضرابخانه تخت جمشید یا استخر (Haerinck & Overlaet, 2008: 220).



تصویر ۴. نقش یک آتشگاه بر پشت سکه‌های رومی قرن اول م. (Haerinck & Overlaet, 2008: 233).



تصویر ۵. نقشه بازسازی شده بنای موسوم به «معبد فرترکا» (Shenkar, 2011: 120).



تصویر ۶. نقش برجسته متعلق به بنای موسوم به «معبد فرترکا» (Debevoise, 1942, pl. III: b).



تصویر ۷. چهار درهمی نقره‌ای و دفرداد اول، ضربخانه تخت جمشید یا استخر (Hill, 1922, pl. XXIX: 7).



تصویر ۸. درهم نقره‌ای داریوش اول، به احتمال فراوان ضربخانه استخر (Haerinck & Overlaet, 2008: 222).



تصویر ۹. درهم نقره‌ای داریوش دوم، به احتمال فراوان ضربخانه استخر (Daryaei, 2010: 240).



تصویر ۱۰ و ۱۱. دو درهم‌های نقره‌ای از اردشیر دوم، به احتمال قوی ضربخانه استخر (Haerinck & Overlaet, 2008: 223 & Hill, 1922, pl. XXXIII: 10).



تصویر ۱۲. درهم نقره‌ای نمویات، به احتمال قوی ضربخانه استخر (Haerinck & Overlaet, 2008: 224).



تصویر ۱۳. نمونه‌ای از نقوش خطی تخت‌جمشید با تاریخ احتمالی ۲۰۵ م. (Callieri, 2003).



تصویر ۱۴. سکه نقره‌ای شاپور با تصویر پاک در پشت، ضرابخانه استخر (19: Gyselen, 2011).



تصویر ۱۵. سکه نقره‌ای اردشیر پنجم با تصویر احتمالی پاک در پشت، ضرابخانه استخر (17: Alram, 2008).



تصویر ۱۶. نخستین سکه اردشیر به عنوان شاه ساسانی به تاریخ ۲۲۶ م. (19: Alram, 2008).

## ۱۰. منابع

اشتیل، روت، «پارس در عهد سلوکیان و اشکانیان»، ترجمه هوشنگ صادقی، نوشته‌هایی در باب تاریخ و فرهنگ اشکانیان، فرانس آلتهایم، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ۱۳۸۸، ۱۰۱-۱۱۰.  
سلوود، دیوید، «حکومت‌های کوچک در جنوب ایران»، ترجمه تیمور قادری، تاریخ ایران کمبریج، ج. سوم، قسمت دوم: اشکانیان، ویراسته احسان یارشاطر، مهتاب، تهران، ۱۳۹۰.

- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴) مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ اول، نشر فرزانه، تهران.
- فرای، ریچارد نلسون، «اوضاع سیاسی ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه تیمور قادری، تاریخ ایران کمبریج، ج. سوم، قسمت سوم: ساسانیان، ویراسته احسان یارشاطر، مهتاب، تهران، ۱۳۸۹.
- گوبل، رابرت، «سکه‌های ساسانی»، ترجمه تیمور قادری، تاریخ ایران کمبریج، ج. سوم، قسمت سوم: ساسانیان، ویراسته احسان یارشاطر، مهتاب، تهران، ۱۳۸۹.
- گرین‌فیلد، جی. سی.، «آرامی در امپراتوری هخامنشی»، ترجمه تیمور قادری، تاریخ ایران کمبریج، ج. دوم، قسمت دوم: دوره‌های ماد و هخامنشی، ویراسته ایلینا گرشویچ، مهتاب، تهران، ۱۳۹۰.
- Alizadeh, A., 1985. Elymaean occupation of lower Khuzestan during the Seleucid and Parthian periods: a proposal, *Iranica Antiqua*, 20, 175-195.
- Alram, Michael. 2008. Early Sasanian Coinage. In, V.S. Curtis and S. Stewart (eds.), *The Sasanian era (Idea of Iran)*, London, 17-30.
- Balcer, Jack Martin 1976. Part 2: Parthian and Sasanian coins and burials, *Iran* 16, 86-92.
- Bevan, Edwyn Koboet 1902. *The house of Seleucus*. Vol. 1, London, Edward Arnold Publication.
- Bivar, A. D. H. and S. Shaked 1964. The Inscriptions at Shīmbār. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 27 (2), 265-290
- Callieri, Pierfrancesco 1995. Une borne routière grecque de la région de Persépolis (information), remarques additionnelles de M. Paul Bernard. *Comptes-rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 139e année (1), 65-95.
- Callieri, Pierfrancesco 2003. At the roots of the Sasanian royal imagery: the Persepolis Graffiti, *CAIS*.
- Canepa, Matthew P., 2010. Technologies of memory in early Sasanian Iran: Achaemenid sites and Sasanian identity, *American Journal of Archaeology* 114 (4), 563-96.
- Chaumont, M. L. 1958. Le culte d'Anāhitā à Staxr et les premiers Sassanides. *Revue de l'histoire des religions* 153 (2), 154-175.
- Colledge, Malcom A. R. 1977. *Parthian art*. New York, Ithaca.
- Curtis, V.S. 2007. The Iranian revival in the Parthian period, in: V.S. Curtis and S. Stewart (eds.), *The age of the Parthians*, London, 7-25.
- Dabrowa, E. 2011. The Arsacid Empire, in, Touraj Daryaee (ed.), *The Oxford Iranian History*, Oxford University Press, 164-186.
- \_\_\_\_\_. 2012. The Arsacids and their state, in, R. Rollinger et al. (eds.), *Altertum und Gegenwart, 125 Jahre Alte Geschichte in Innsbruck, Vortraege der Ringvorlesung Innsbruck 2010*, Innsbruck, 21-52.
- Daryaee, Touraj 2010. Ardaxsir and the Sasanians' rise to power. *Anabasis* 1, 236-255.
- \_\_\_\_\_. 2011. The Sasanian Empire, in, Touraj Daryaee (ed.), *The Oxford Iranian History*, Oxford University Press, 187-207.
- Debevoise, Neilson C. 1942. The rock reliefs of ancient Iran. *Journal of Near Eastern Studies* 1 (1), 76-105.
- De Morgan, J. 1923. *Manuel de numismatique orientale de L'antiquité et du Moyen Age*, Tome I. Paris, Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Edson, Charles 1958. Imperium Macedonicum: The Seleucid Empire and the literary evidence, *Classical Philology* 53 (3), 153-170.
- Farrokh, Kaveh 2007. *Shadows in the desert, ancient Persia at war*. Osprey.
- Gyselen, Rika 2011. The coins of 3rd century Sasanian Iran and the formation of historical criteria. *e-Sasanika* 15, 1-30.
- Haerink, E. 1998. International contacts in the southern Persian gulf in the 1st century B.C./ 1st century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain, U.A.E). *Iranica Antiqua* 32, 273-302.

- Haerinck, E. and B. Overlaet 2008. Altar shrines and fire altars? architectural representations on Frataraka coinage. *Iranica Antiqua* 43, 207–233.
- Hansman, John 1967. Charax and the Karkheh. *Iranica Antiqua* 7, 21-58.
- Herzfeld, Ernst 1934. *A history of ancient Persia*. Oxford University Press.
- \_\_\_\_ 1941. *Iran in the ancient east*. London & New York, Oxford University Press.
- Hill, George Francis 1922. *A catalogue of the Greek coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*. London, British Museum Dept of Coins and Medals.
- Hill, John E. 2009. *Through the Jade Gate to Rome: a study of the Silk Routes during the later Han Dynasty, 1st to 2nd Centuries CE*. Charleston, South Carolina, BookSurge.
- Kawami, Trudy S. 1987. *Monumental art of the Parthian period in Iran*. Leiden, Acta Iranica, Troisième Série, V. XIII.
- Keall, E. J. 1994. How many Kings did the Parthian King of Kings rule? *Iranica Antiqua* 29, 253-272.
- Khademi Nadooshan, Farhang and Mostafa Khazaiea 2011. Probable sources and refining technology of Parthian and Sasanian silver Coins. *Interdisciplinaria archaeologica* 2 (2), 101–107.
- Koch, Heidemarie 1988. Herrscher in der Persis unter Seleukiden und Parthern. *Die Welt des Orients* 19, 84-95.
- Le Rider, G. 1965. *Suse sous les Séleucides et les Parthes*. Paris, MDP 38.
- Lozinski, Philip 1984. The Parthian Dynasty. *Iranica Antiqua* 19, 119-139.
- Mittag, Peter F. 2008. Blood and money, on the loyalty of the Seleucid Army. *Electrum* 14, 47-56.
- Naster, Paul 1968. Note d'épigraphie monétaire de Perside: fratakara, frataraka, ou fratadāra? *Iranica Antiqua* 8, 74-80.
- Nodelman, Sheldon A., 1959/60. A preliminary history of Characene, *Berytus* 13, 83-121.
- Olbrycht, Marek J. 1997. Parthian Kings' tiara- numismatic evidence and some aspects of Arsacid political ideology. *Notae Numismaticae* 2, 27-70.
- Pliny 1949. *Natural History*. With an English translation by H. Rackham, Vol. II, Cambridge Massachusetts, Harvard University Press.
- Potts, Daniel T., 2004. *The archaeology of Elam, formation and transformation of an ancient Iranian state*. London, Cambridge University Press.
- Potts, Daniel T., 2007. Foundation houses, fire altars and Frataraka, interpreting the iconography of some post-Achaemenid Persian coins. *Iranica antiqua* 42, 271-300.
- Potts, Daniel T., 2012. *Emerging civilizations: in the land of the Emirates*. London, Trident Press.
- Razmjou, Shahrokh 2005. Ernst Herzfeld and the study of Graffiti at Persepolis, in, Ann C. Gunter and Stefan R. Hauser (eds.), Ernst Herzfeld and the development of Near Eastern Studies, 1900-1950, BRILL, 315-344.
- Rawlinson, George 1893. *Parthia*. London, T. Fisher Unwin.
- Schoff, W. H. 1915. Some aspects of the overland oriental trade at the Christian era, *Journal of the American Oriental Society* 35, 31-41.
- Seyrig, Henri 1950. Palmyra and the East, *The Journal of Roman Studies* 40 (1& 2), 1-7.
- Shenkar, Michael 2011. Temple architecture in the Iranian world in the Hellenistic period in, Anna Kouremenos et al. (eds.), From Pella to Gandhara, hybridization and identity in the art and architecture of the Hellenistic East, BAR int. Series 2221, 117-139.
- Stronach, David 1965. Excavations at Pasargadae, third preliminary report. *Iran* 3, 9-40.
- Vanden Berghe, Louis 1987. L'héritage Parthe dans l'art Sasanide, transition periods in Iranian history. *Studia Iranica* 5, 241-252.
- Venetis, Evangelos 2011. Iran at the time of Alexander the Great and the Seleucids, in, Touraj Daryaee (ed.), *The Oxford Iranian History*, Oxford University Press, 142-163.



Wenke, Robert J. 1981. Elymeans, Parthians, and the evolution of Empires in southwestern Iran. *Journal of the American Oriental Society* 101 (3), 303-315.

Wiesehöfer, Josef 1999. FĀRS ii, history in the pre-Islamic period. *Encyclopaedia Iranica*: 333-337.

Wiesehöfer, Josef 2001. *Ancient Persia from 550 BC to 650 AD*. London, I.B.Tauris Publishers.

Wiesehöfer, Josef 2007. Fars under Seleucid and Parthian rule, in, V.S. Curtis and S. Stewart (eds.), *The age of the Parthians*, London, 37-49.

Wiesehöfer, Josef 2009. Kings of Persis. *Iranicaonline*.

Wroth, Warwick 1903. *Catalogue of the Coins of Parthia*. London.